

گنجفه

مانند آن ورق که ز سر وا کند کسی
حسنت بچرخ گنجفه داد آفتاب را
« ملاواهب قندهاری »

گنجفه چیست

مؤلف فرهنگ آندراج می‌نویسد: « گنجفه بافتح ف نام بازی است
معروف آنرا بحدف تجتانی گنجفه نیز خوانند »

در فرهنگ نفیسی آمده: « گنجفه ورقهائی که بدان بازی کنند و خود این بازی »
مؤلفین سایر فرهنگها هم که از گنجفه نامی برده‌اند بشرحی بیشتر نپرداخته و آنرا فقط
یکنوع بازی دانسته‌اند و از چگونگی بازی - ذکرى بپمان نیاورده‌اند .

ظاهراً گنجفه قبل از عصر صفویه بازی معمول و متداول نبوده است . میرزا صادق صادقی
مؤلف شاهد صادق که فصل شصت و چهارم کتاب خود را به گنجفه اختصاص داده می‌نویسد :
« از مخترعات میرغیاث‌الدین منصور شیرازی است و گمان آنست که از گنجفه فرنگیان استخراج
کرده . در عقل و فهم افزایش و محافظه را قوی گرداند و نام آن گنج فهم است بکثرت استعمال به گنجفه
مشهور شده و آن بر چند قسم است و برخی از آنرا این حقیر اختراع کرده » (۱)

باتوجه باینکه میرغیاث‌الدین منصور شیرازی در سال نهصد و چهل و هشت یا نهصد
و چهل و نه هجری وفات یافته (۲) معلوم می‌شود که اختراع بازی گنجفه به قبل از عصر صفویه
اهلی شیرازی که بگفته‌ام میرزای صفوی مؤلف تحفه سامی « در کبر سن در سنه اثنین و
اربعین و تسعمائه در شیراز فوت شد » (۳) کتابچه‌ای بنام گنجفه دارد که شامل نود و شش
دوبیتی است . وی در دیباچه می‌گوید: « این دوبیتی هارا آن گونه سرودم که هر گاه هر يك از آن‌ها را
بريك برگ سفید و بی نشان بنویسند بجای يك برگ گنجفه باشد همه آنها بجای یکدستگاه گنجفه
بکار رود » (۴) که البته با گفته مؤلف شاهد صادق مغایرتی ندارد . و اگر هم اهلی سی سال قبل از
مرگش دوبیتی هارا سروده باشد باز به قبل از دوره صفویه نمی‌رسد . (باتوجه باینکه این بازی، بازی
دربار بوده و بعضی اختراع آن شهرامی توانسته‌اند راجع بآن شعر براریند).

بنابراین من فکر می‌کنم بازی گنجفه در دوره صفویه رواج یافته و اگر قبل از این دوره هم
وجود داشته است ، قدمتش بیش از چندسال قبل از عصر صفویه نیست .

آقای سید محمدعلی داعی مؤلف فرهنگ نظام از کتاب جواهرنامه اثر محمدبن منصور از تألیفات

۱- نسخه خطی کتابخانه مرکزی ورق ۲۹۸ ۲- ریحانة الادب جلد دوم . ۳- بنقل از هر مردنامه
تألیف استاد پورداود صفحه ۲۱۹ ۴- فهرست کتب اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه
دانشگاه تألیف آقای منزوی جلد دوم ، صفحه ۲۱۰ . (آقای منزوی دو بیتى های اهلی شیرازی
را که بنام گنجفه مشهور می‌باشد (طبق اشاره خودشان) هم در مجله دانش سال ۱۳۳۲ و هم جداگانه
چاپ کرده‌اند .)

قرن نهم هجری مطالبی نقل می‌کند و آن اینست: « درواحی نیشابور جوهری شبیه فیروزه از کانی قریب بکان آن استخراج می‌کنند و این قطعه‌هایی کبیر می‌باشد، از آن نرد و شطرنج و گنجفه و امثال اینها می‌تراشند » (۱)، که بنا بر عبارت « نرد و شطرنج و گنجفه » می‌توان گفت گنجفه قبیل از عصر صفویه یازی متداول بوده که آنرا از فیروزه ساخته و بکار برده‌اند، و البته این مطلب با آنچه که مؤلف شاهد صادق ذکر کرده و آنرا از مخترعات میر غیاث الدین منصور شیرازی دانسته است منافات دارد.

نگارنده چون در صحت مندرجات فرهنگ نظام‌شک داشت به « جواهرنامه » یا « گوهرنامه » تألیف محمد بن منصور مراجعه کرد (۲) و جمله را چنین یافت « و در نواحی نیشابور جوهری شبیه فیروزه از کانی قریب بکان آن استخراج می‌کنند و این جوهر را قطعه‌هایی کبیر می‌باشد و از آن نرد و شطرنج و گنجفه و امثال اینها می‌تراشند » (۳) و صحیح هم همین است. چون نظیر این جمله در جای دیگر همین کتاب بکار رفته: « و حجری رخوالمحک است که از آن نرد و شطرنج و دسته کارد و غیر اینها می‌تراشند. »

بهر حال بازی گنجفه در اوایل عهد صفویه رونق یافت. مردم برای گذرانیدن وقت به قهوه‌خانه‌ها و یاتوق‌ها و سردمها روی می‌آوردند. سران قزلباش، نقاشان، شاعران، و رجال و اعیان، محفلی بهتر از قهوه‌خانه‌ها نیاقتندی چه هم محفلی آبرومند بود. چنانکه شاه‌عباس از سفرای خارجی در آن مکان پذیرائی می‌کرد. و هم محفلی بود پراز سرگرمی‌ها و تفریجها، از قبیل نرد، شطرنج، پیچاز، گنجفه، تخم‌مرغ بازی و غیره. بعلاوه، دلربایی و عشوگری کارکنان قهوه‌خانه‌ها که خود بهترین وسیله جلب مشتری بود. مخصوصاً که کارکنان قهوه‌خانه‌ها از بین جوانان خو بروی ارمنی انتخاب می‌شدند و این جوانان با لباسهای فریبنده و موهای بلند بر قاصی و طنازی می‌پرداختند و با انجام دادن بازیهای گوناگون مردم را سرگرم و مشتول می‌داشتند (۴).

از میان پادشاهان صفویه، شاه‌عباس اول بگنجفه علاقه زیادی داشت، هم‌چنین سران سپاه او در اغلب اوقات گنجفه می‌باختند. از جمله مرشدقلیخان که عنوان نایب‌السلطنه داشت و در اوایل سلطنت شاه‌عباس فرمانروای مطلق بود وقتی با یاران خود خلوت می‌کرد و سران طایفه استاجلو و جمعی از خواص را گرد خود می‌خواند، بازی گنجفه مشغول می‌شد، و بر سر همین بازی گنجفه و تملق بی‌جای محمودخان صوفیلر استاجلو بود که شاه‌عباس وسیله قتل مرشدقلیخان را فراهم کرد و نقشه‌ای کشید که هم مرشدقلیخان بدست چهارتن از سران قزلباش کشته شود، و هم محمودخان صوفیلر استاجلو بجزای خویش برسد و زبانش از بس کردن بیرون آورده شود، و هم ابراهیم خان برادر مرشدقلیخان از حکومت معزول شود و بهلاکت برسد (۶).

ولی در زمان شاه‌عباس دوم اوضاع دیگرگون شد، بازی گنجفه مثل سایر بازیها قمار بحساب آمد و ممنوع گردید، و هر کس بقمار می‌پرداخت جریمه می‌شد. و جریمه‌ها به مشعل‌چی‌باشی داده می‌شد که آنرا بمصرف روشنائی شهر برساند. برای وصول جریمه و تأمین هزینه روشنائی شهر، مشعل -

۱ - فرهنگ نظام، ذیل واژه گنجفه. ۲ - گوهرنامه بکوشش آقای منوچهر ستوده مندرج در دفتر سوم جلد چهارم فرهنگ ایران زمین. ۳ - صفحه ۲۳۰. ۴ - صفحه ۲۳۳. ۵ - مقاله آقای نصرالله فلسفی تحت عنوان « تاریخ قهوه و قهوه‌خانه در ایران » مندرج در مجله سخن دوره پنجم صفحه ۲۵۸. ۶ - زندگانی شاه‌عباس اول نوشته استاد نصرالله فلسفی صفحه ۱۴۹ و ۱۵۰.

چی باشی ، فرمانیرانی داشت که درشهر می گردیدند و درهرخانه ای که قماری سراغ داشتند بعنف داخل می شدند ، وقماربازان را دستگیر می کردند ، واز آنها جریمه هائی می گرفتند .

زان پانست تاورنیه دسفرنامه خود می نویسد ؟ « ایرانیها چندان بقمار مایل نیستند زیرا که شرها ممنوع است و آن وجهی که مشعلدار باشی از قماربازها دریافت می کند جریمه و كفارة این گناهی است که مرتکب می شوند . برای این کار مخصوصاً مفتشها وجواسیسی است که سرزده داخل خانه تجار و مردمان متوسط می شوند و کسی جرأت ندارد که آنها را از دخول منع نماید ، اما مردمان بزرگ محترم اعتنائی باین جواسیس ندارند . آنها را بیخانه خود راه هم نمی دهند و وجه جریمه را نیز ادا نمی کنند . » (۱) شاید علت کسادی بازار گنجفه در این دوره ، تعصب و دیانت وزیر اعظم شاه عباس ثانی ، خلیفه سلطان بوده است .

تاورنیه می نویسد « در میان اقسام قمارهای ایرانی يك قسم بازی ورق اوراق گنجفه دارند که گنجفه مینامند ، ورقهای ما چهار نشان دارد اما اوراق ایرانی دارای هشت نشان است » (۲)

دانشمند گرامی آقای علی نقی منزوی می نویسد : « گنجفه یا گنجیفه نوعی ورق بازی ایرانی است که اکنون از میان رفته است . در این بازی هشت دسته دوازده برگی که نود و شش ورق داشته بکار می رفت . هر یک از این دسته های هشتمگانه نامی به ترتیب زیر داشت : غلام ، تاج ، شمشیر ، اشرفی ، چنگک ، برات ، سکه ، قماش . و هر یک از این دسته ها دوازده برگ داشت ، دوتا بنام شاه و وزیر و دیگران بشماره يك تا ده شناخته می گردید . برای این بازی دستگاه ویژه می ساختند و آنرا گنجفه می نامیدند ، بر گهای نود و شش گانه این دستگاه طوری ساخته می شد که هر یک از آنها به تنهایی شناخته می گردید . » (۳) آقای منزوی در این قطعه « اشرفی » و « سکه » را بجای دو اصطلاح « زرسرخ » و « زرسفید » بکار برده اند ، و گویا اصل اصطلاح معمول در بازی گنجفه هم همین « زرسرخ » و « زرسفید » است ، چنانکه در شاهد صادق هم آمده ، « نوع دیگر نیز هست که گنجفه همرنگ از آن استخراج شده و آن بازی گنجفه متعارفست لیکن باید که آفتاب ورق « سرخ » بر آید » (۴) .

و نیز از عبارات طغرای شهدی که آقای منزوی هم در فهرستان آورده اند اصطلاح « زرسرخ » و هم چنین اصطلاح « زرسفید » بخوبی پیداست ، « گنجیفه را دل از تیغ مهاجرت یاره یاره گردیده . و از دفتر وجودش دو فرد را هیچکس یکجا ندیده . اصنافش از کساد بازاری دکانها بر چیده اند ، و دست امید از دامن خریدار کشیده ، شمشیر ، منتظر که آب رفته بجوی باز آید و « چنگک » گوش بر صدا که تار امید باواز آید ، از بی رونقی « قماش » پنبه را آتش بجان افتاد و « تاج » را در کلاه اعتباری نمی ماند ، « زرسرخ » برنگ زرد عهد بسته و « زرسفید » بردریل سیاه نشسته ، ده « غلام » را بیک پیشین می خرند و دسته « بزات » را بکافد حلوائی نمی شمرند » (۵) . بنابراین اوراق گنجفه دارای هشت صنف بوده بنامهای : زر سرخ ، زرسفید ، برات ، قماش ، چنگک ، شمشیر ، تاج ، غلام ، و هر کدام از این اصناف دارای يك شاه و يك وزیر بوده اند .

- ۱ - سفرنامه تاورنیه ترجمه ابوتراب نوری صفحه ۹۱۵ - ۲ - سفرنامه تاورنیه صفحه ۹۱۶
- ۳ - جلد دوم فهرست آقای منزوی صفحه ۲۱۰ - ۴ - نسخه خطی کتابخانه دانشگاه ورق ۲۹۸
- ۵ - کلیات طغرای نسخه خطی کتابخانه دانشگاه ورق ۱۶۱

اوراق گنجفیه را از چوب می‌ساخته‌اند و گاهی استادان زبر دست و ماهر تصویرهای آنرا رسم می‌کردند (۱).

در مورد شکل اوراق گنجفیه و تصویرهایی که روی آن اوراق رسم می‌شده، مؤلف آئین اکبری می‌گوید: «پادشاه زرسرخ را چنان بر کشند که زر می‌بخشیده باشد. وزیر بر صندلی بیننده خزانه، درده صفحه از یک تاده صورت انواع عمله زرنویسند. و بعد می‌نویسد: «پادشاه برات را نیز بر تخت تصویر نمایند که اورا فرامین و اسناد و اوراق دفتر می‌نموده باشند و وزیر آن را بر صندلی نشسته، دفتر در پیش و در صفحات، کارگزاران، کاغذگر، مهره‌کش، سطرکش نویسد». و پادشاه قماش را می‌نویسد که «بشکوه بزرگی بر کشند چنانچه قماش می‌دیده باشد و در صفحات جانداوران بارکش» «پادشاه چنگ را بر تخت کشند که نغمه می‌شنوده باشند، و وزیر را بر صندلی در پژوهش حال اهل نغمه و در صفحات گوناگون خنیاگر، پادشاه زرسفید را بر تخت چنان نویسد که رویه و دیگر سیمین نغمی بخشیده باشد و وزیر بر صندلی در پژوهش آن و در صفحات بسان زرسرخ کارگزاران نگارند. پادشاه شمشیر چنان نگارند که بلارک (۲). می‌آزموده باشد، و وزیر بر صندلی نشسته سلاح خانه می‌دیده باشد و در صفحات آن آهنگر و صیقل‌گرو جز آن نگارند. پادشاه تاج را بخشوده آن تصویر کنند و وزیر را بر صندلی که سرانجام آن باشد و در صفحات دیگر عمله آن چون درزی و اتوکش. و پادشاه غلام را بر فیلسوار نگارند، و وزیر او را بر عرابه، و در اوراق انواع غلامان نویسد بعضی نشسته، برخی افتاده، طایفه مست، گروهی هشیار و جز آن» (۳).

اکبر شاه هندی از این گنجفیه ایرانی تقلید کرد و گنجفیه‌ای ساخت که دارای دوازده صنف بود بنامهای: اشویت (بفتح همزه و سکون شین منقوطة و فتح و اووبای فارسی و کسرتای فوقانی)، گجیت (بفتح کاف فارسی و سکون جیم)، نریت (بفتح نون و سکون را)، گدهیت (بفتح کاف فارسی و دال هندی و های خفی)، دهنی‌یت (بفتح دال و های خفی و سکون نون)، دل‌یت (بفتح دال و سکون لام)، نوایت (بفتح نون و واو و الف)، تی‌یت (بکسرتای فوقانی و فتح یای تجتانی)، سریت (بضم سین و فتح را)، اسریت (بفتح همزه و سکون سین و وا)، بن‌یت (بفتح با و سکون نون)، آه‌یت (بفتح همزه و کسرها). هر کدام از این اصناف دوازده ورق داشت (۴) و گویا نحوه بازی آن مثل گنجفیه بازی ایرانی بوده است.

بازی گنجفیه

از چگونگی بازی گنجفیه اطلاع صحیحی در دست نیست، و در کتابهایی هم که مورد استفاده نگارنده قرار گرفته از نحوه این بازی شرحی نیامده است. ولی مؤلف شاهد صادق تفصیل چگونگی بازی گنجفیه را به رساله‌ای بنام «علم ملاعب» حواله داده، متأسفانه نگارنده هر چه بیشتر برای بدست آوردن رساله «علم ملاعب» کوشش کرد، کم‌تر یافت، جز اینکه بخشی از نقایس الفنون به علم ملاعب اختصاص داده شده و در آن بخشی از نرد و شطرنج گفتگو بمیان آمده و از گنجفیه نامی نیست. بنیراز این، میرزا صادق صادقی در چگونگی بازی گنجفیه شمه‌ای ذکر می‌کند که البته درست مفهوم

۱ - رجوع کنید به ج ۹ - ۲ - بلارک بر وزن تبارک جنسی از فولاد جوهر دار باشد و شمشیر و جوهر شمشیر را نیز گویند. (برهان قاطع). ۳ - آئین اکبری صفحه ۱۵۸ - ۴ - ایضاً آئین اکبری صفحه ۱۵۷

نیست مگر اینکه بعدس و گمان متوسل شد و چگونگی بازی را دریافت. (۱)
 ظاهر آ بازی گنجفه مانند بازی که امروزه با ورق می کنند و بنام «حکم» معروف است، بوده.
 زیرا: اولاً، بکمان مؤلف شاهد صادق گنجفه بازی ایرانی از گنجفه فرنگیان استخراج شده،
 بنابراین بعید نیست که گنجفه تقلیدی از حکم باشد.
 ثانیاً، در حکم، بازیکنان همیشه سعی می کنند اوراقی که دارای خالهای ریزاست از دست
 خود خارج کنند و درشت خالها را نگهدارند. (البته وقتی که حریف خال برنده‌ای پائین می آید).
 در گنجفه هم همین طور است. ملاواهب قندهاری گوید:

مانند آن ورق که زسروا کند کسی حسنت بچرخ گنجفه داد آفتاب را
 ثالثاً، میرزا صادق صادقی می نویسد «هر حکمی که گیرند حریفان هر رنگ آن خرج دهند
 و اگر نداشته باشند «حکم» بخرج اندازند» که عیناً روشی است که در بازی «حکم» معمول است.
 و چون بازی حکم از بازیهای روزمره جوانان امروزی است و اغلب آنرا می دانند و کمتر کسی است
 که این بازی را نکرده باشد و نداند، بشرحش نمی پردازیم.

۱ - عین عبارات میرزا صادق صادقی اینست « گنجفه متعارف هشت صنف است و بازیهای مشهور
 از هر رنگ و سوخت و باشاچن که دو کس و سه کس و چهار کس بازی کنند احتیاج بشرح ندارد.
 در ایران چهار صنف افزوده بودند و شش کس بازی می کردند لیکن رواج نیافت. و گنجفه صنف در-
 خانی آنست که دو کس بازی کنند و یک حکمی را دو خرج دهند، و در این بازی گناه باشد که یکی
 از حریف دو چند برد یعنی بیست و چهار دست. و گنجفه فرنگی بر چند نوع است، یکی بازی لب
 و در آن سه صنف یا چهار صنف گیرند و دو سه و چهار و بیش از آن نیز توانند باخت، و نوعی دیگر را
 نیز دو سه و چهار توانند باخت و بهترین طریقش آنست که چهار صنف گیرند و چهار کس بازند و اگر
 به هشت صنف گنجفه بازی کنند، نه کس توانند باخت. و نوعی دیگر نیز هست که گنجفه هر رنگ از آن
 استخراج شده، و آن بازی گنجفه متعارفست لیکن باید که آفتاب با ورق سرخ بر آید و هر حکمی
 که گیرند حریفان هر رنگ آن خرج دهند و اگر نداشته باشند حکم بخرج اندازند، و اگر حکم
 نبود هر چه صاحب حکم گوید خرج دهند، و در این بازی بسیار شود که یک کس همه حریفان را از
 دست بیرون کند، و این بازی چون دو کس بازند مانند شطرنج بفکرهای دقیق حاجت افتد، و نوعی
 دیگر بدین گونه که حریفان بعد از اتمام بازی هر کس هر آنچه پیش او جمع شده بردارد و اگر
 چیزی بوده باشد آنچه از حصه او بود اوراقی که خواهد آن دهد که باخته، تا دستها برابر شود.
 پس باز بازی کنند تا آنکه یکی حریفانرا از دست بیرون کند. و در این بازی صنعت بسیار بود، چه
 اگر، سه کس یا بیشتر، چهار کس بازند چون نوبت اول بازی کنند ظاهر شود که بیش هر کدام
 چیست و بیادداشتن آن و تصرف در بازی از قبیل شطرنج بود. (ورق ۲۹۸ شاهد صادق نسخه خطی
 کتابخانه مرکزی).